

# فصلنامه بین المللی قانون یار

License Number: ۷۸۸۶۴ Article Cod: Y6SH19A520 ISSN-P: 2538-3701

## بررسی آثار اقامتگاه در حقوق بین الملل خصوصی

(تاریخ دریافت ۱۴۰۰/۰۷/۱۵، تاریخ تصویب ۱۴۰۰/۱۲/۱۸)

سیدمحمد عبداللهی

کارشناس ارشد حقوق خصوصی و عضو کانون وکلای دادگستری ایلام

### چکیده

سخن از اقامتگاه هم در حقوق داخلی و هم در حقوق بین الملل در میان است. تا آنجا که به حقوق داخلی باز می گردد، اقامتگاه به چند دلیل مطرح است: نخست اینکه دادگاه صلاحیت دار دادگاه اقامتگاه خوانده است؛ دوم اینکه کلیه اوراق قضایی، اعلامیه ها اعم از اخطاریه، احضاریه، احکام و قرارهای صادره از محاکم، هر نوع اجرائیه و نیز اظهارنامه در اقامتگاه شخص به وی ابلاغ می شود؛ سوم آن که امور مربوط به غایب مفقود الاثر به دادگاه محلی راجع می شود که آخرین اقامتگاه غایب در آنجا بوده است. در حقوق بین الملل خصوصی نیز، اقامتگاه پیش از هر چیز تعیین کننده دادگاه صلاحیت دار است، افزون بر آن که در قوانین برخی از کشورها چون سوئیس و انگلستان، افراد در احوال شخصیه تابع قوانین کشور اقامتگاه خود هستند نه کشور متبوع و در برخی دیگر از کشورها، کشور اقامتگاه جانشین کشور تابع برای افراد بدون تابعیت است. در کلیت می توان گفت آثار اقامتگاه در قوانین، با وجود تکرر به دو اثر اصلی قابل تحلیل است: اقامتگاه به عنوان مبنایی برای تعیین صلاحیت مرجع قانونی (در حقوق داخلی)، یا قانون حاکم (در حقوق بین الملل)، و اقامتگاه به عنوان محلی که تماس مرجع قانونی با شخص - حقیقی یا حقوقی - در آن محل برقرار می گردد. تعیین صلاحیت قانون حاکم در حقوق بین الملل، امری ناشی از تراحم قوانین کشورهای گوناگون است. این تراحم اصالتاً به حوزه حقوق ارتباط دارد و تعیین یکی از قوانین برای حاکم بودن، نوعی فصل خصومت میان نظامهای حقوقی است. چنین می نماید که در این حالت تمام ابعاد مسأله، درون سپهر حقوقی رخ داده است.

**واژگان کلیدی:** اقامتگاه، حقوق بین الملل، آثار اقامتگاه، اوصاف اقامتگاه

## مقدمه

اقامتگاه مقرر هر شخص اعم از حقوقی یا حقیقی می باشد. معیارهای گوناگونی از سوی قانونگذارهای کشورها جهت تعیین اقامتگاه اشخاص اتخاذ شده است. در حقوق بین الملل خصوصی اقامتگاه را رابطه ای حقوقی، دارای بعضی از خصائص سیاسی که بین اشخاص و حوزه معینی از قلمرو دولتی برقرار می شود محسوب می گردد که اقامتگاه یک عامل تقسیم مادی و مربوط به مکان است که افراد در آنجا ساکن می باشند و در حقوق ایران این معیار مرکز امور مهم شخص می باشد و در حقوق کانادا اقامتگاه شخص محلی است که وی با آنجا روابط واقعی تر و ملموس تر دارد. اقامتگاه در حقوق بین الملل خصوصی ایران نقش مستقیم ندارد، اما اقامتگاه محور اصلی قانون بین الملل خصوصی کانادا می باشد. در حقوق کانادا برخلاف حقوق ایران که قانون صالح بر احوال شخصیه را قانون دولت متبوع یا ملی آنان می داند قانون صالح بر احوال شخصیه افراد محل اقامتگاه آنهاست. تفاوت‌های آشکار در درک حقوقی مفهوم اقامتگاه میان نظام‌های گوناگون حقوقی در عین ترکیب نسبتاً ثابت در ژرفساخت اصطلاح، اولاً نشان از آن دارد که برداشتهای حقوقی تأثیر معناداری در ساخت اصطلاح نداشته و اصطلاح اقامتگاه با گونه های زبانی مختلف آن بیشتر حاصل یک فرآیند تاریخی بوده است. تنها تفاوتی که میان اصطلاحات مختلف اقامتگاه در زبانهای گوناگون می توان یافت، فراموش شدگی یا شناختگی اشتقاق در زبانهای گوناگون است. برای متکلمان به زبانهای رومیایی و نیز انگلیسی، دومیسپیل تنها اصطلاحی حقوقی است که چون مراحل ساخت خود را در زبان لاتین سپری کرده، برای متکلمان زبانهای امروزی، اشتقاق آن فراموش شده است. این در حالی است که اصطلاحات معادل در زبانهایی چون آلمانی، روسی و فارسی، از آن روی که در زمانی بسیار نزدیک به عصر حاضر و درون نظام واژه سازی زبان امروزی ساخته اند، دارای اشتقاقی شناخته شده اند. از همین رو، در این گروه از زبانها، اهل زبان ناخواسته رابطه ای آشکار میان اصطلاح اقامتگاه با فعل زندگی کردن و اقامت کردن حس می کنند. در جستجو از ریشه اقامتگاه، معمولاً سخن به قانون روم بازمی گردد. البته در فقه اسلامی و مقررات مربوط به بسط عرفی آن نیز می توان پیشینه مفهوم اقامتگاه را بازیافت، اما این موضوع هنوز مورد تحقیق شایسته قرار نگرفته است (مثلاً نک: شافعی، ۹۶/۲؛ طوسی، ۱۰۶/۸). حتی در نگاه حقوقدانان مسلمان نیز این باور شهرت یافته که مفهوم اقامتگاه به شکل کنونی آن، در حقوق گذشته ایران و دیگر کشورهای شرقی بی سابقه بوده است.

## بخش اول: بررسی و شناخت اقامتگاه

اقامتگاه، اصطلاح حقوقی به معنی محل سکنای شخص و مرکز مهم امور او. اقامتگاه همچون «اسم» از مشخصات هر شخص حقیقی یا حقوقی است. اقامتگاه در حقوق داخلی و حقوق بین الملل خصوصی دارای اهمیت و آثار گوناگونی است. اقامتگاه در فقه اسلامی عنوان خاصی ندارد و مواد ۱۰۰۲ تا ۱۰۱۰ قانون مدنی ایران با استفاده از حقوق جدید اروپا، به ویژه از قانون مدنی فرانسه اقتباس شده است. اقامتگاه در لغت به معنی محل سکنا به کار رفته، و در اصطلاح حقوقی «اقامتگاه هر شخصی عبارت از محلی است که شخص در آنجا سکونت داشته و مرکز مهم امور او نیز در آنجا باشد...» (قانون مدنی، ماده ۱۰۰۲؛ نیز نک: «قانون مدنی فرانسه ۱»، (۱۰۲) در اصطلاح حقوقی «مسکن ۲» مرکز زندگی مادی و سکنا هر شخص است، در حالی که «اقامتگاه ۳» ناظر به مرکز زندگی حقوقی فرد است. هیچ کس نمی تواند بیش از یک اقامتگاه داشته باشد (قانون مدنی، ماده ۱۰۰۳)، در حالی که می تواند دارای چند مسکن باشد (شایگان، ۱۸۳/۱ به بعد؛ پلانیول، ۳۶۶).

مبنا در تعیین اقامتگاه «مرکز مهم امور» است و اگر قانون مدنی به «محل سکونت» توجه نموده، از این روست که غالباً مرکز مهم امور فرد همان محل سکنا وی نیز هست. این مبنا در حقوق فرانسه و کشورهای تابع نظام حقوقی رومن و ژرمن نیز پذیرفته شده است، چنانکه ماده ۱۰۲ «قانون مدنی فرانسه» از آن به «مرکز اصلی ۴» شخص تعبیر کرده است.

در نظام آنگلو ساکسون هر فرد دارای اقامتگاه اصلی یا طبیعی است، یعنی محلی که در آن متولد شده است و آن محل قانوناً اقامتگاه او تلقی می شود، تا اقامتگاه جدیدی اختیار کند که در این صورت اقامتگاه جدید اقامتگاه انتخابی او خواهد بود. بنابراین، عناصر تحقق اقامتگاه دو چیز است: ۱. سکنا واقعی در یک محل معین، ۲. قصد ماندن در آن محل (نک: ریس، ۱۳؛ بلک...، (۴۳۵) در برخی از کشورها مانند آلمان، سوئیس، اسپانیا و پرتغال اقامتگاه فرد همان محل سکنا اوست و بدین ترتیب، با تغییر محل سکنا، اقامتگاه قانونی فرد نیز تغییر می کند («قانون مدنی آلمان ۵»، ماده ۷؛ «قانون مدنی سوئیس ۶»، بند ۱ ماده ۲۳؛ نیز نک: قاسم، ۳۷۸-۳۷۹)

تعریف اقامتگاه در حقوق ایران و فرانسه، دارای این مزیت است که «مرکز مهم امور» شخص برخلاف محل سکنا، معمولاً ثابت است و کمتر تغییر می کند؛ در نتیجه روابط حقوقی افراد با ثبات تر، و کمتر

دچار اختلال می‌شود؛ دیگر آنکه بیشتر در مرکز مهم امور شخص است که افراد با او تماس می‌گیرند و به ایجاد و تنظیم رابطه حقوقی با وی اقدام می‌کنند (نک: صفایی، ۹۱-۹۲). با اینهمه، گاهی تعیین مرکز مهم امور دشوار است و دادگاه باید برای تعیین اقامتگاه بررسی و تحقیق نماید.

در مقایسه میان جایگاه اقامتگاه و تابعیت باید توجه داشت که تابعیت رابطه‌ای ذات‌آسیاسی میان شخص و دولت است، اما اقامتگاه به رابطه‌ای حقوقی میان شخص و حوزه معینی از قلمرو یک دولت بازمی‌گردد. همچنین تابعیت واجد وصفی معنوی است، یعنی شخص قطع نظر از محل اقامت خود به آن دولت وابسته است، در حالی که اقامتگاه بیشتر واجد وصفی مادی است و ناظر به محلی است که منافع مالی شخص در آنجا متمرکز شده است (نصیری، ۸۰؛ بارکر، ۹۱).

نخستین بار اقامتگاه در «قانون موقتی اصول محاکمات حقوقی» مصوب ۱۲۹۰ش که بعداً منسوخ گردید، به عنوان معیاری در تعیین صلاحیتهای محلی دادگاهها شناخته شد. پس از آن در ماده ۱ از «قانون راجع به ثبت شرکتها» مصوب ۲ خرداد ۱۳۱۵ تصریح شد: «برای آنکه شرکتی تبعه ایران تلقی شود، باید مرکز اصلی آن در ایران باشد». در قانون تجارت مصوب ۱۳۱۱ش در ماده ۵۹۰ به تعریف اقامتگاه اشخاص حقوقی، و در ماده ۵۹۱ به تعیین اقامتگاه به عنوان ملاک تعیین تابعیت آنها تصریح شد. نقطه عطف تحول این مفهوم در حقوق ایران تصویب کتاب چهارم از جلد دوم قانون مدنی به تاریخ ۲۷ بهمن ۱۳۱۳ است که در آن قانونگذار ۹ ماده را به این موضوع اختصاص داد. ماده ۱۰۰۲ به تعریف اقامتگاه اشخاص حقیقی و حقوقی، و ماده ۱۰۰۳ به بیان اصل وحدت اقامتگاه، و ماده ۱۰۰۴ به مسأله تغییر اقامتگاه و اقامتگاه اختیاری اختصاص دارد. قانونگذار در مواد ۱۰۰۵ تا ۱۰۱۰ به بیان انواع دیگر اقامتگاه، یعنی اجباری و قراردادی پرداخته است.

قانونگذار در تصویب ماده ۱۰۰۳ از قانون مدنی سویس، و در تصویب ماده ۱۰۰۸ از قانون مدنی آلمان، و در تصویب بقیه مواد قانون مدنی از قانون مدنی فرانسه استفاده کرده است. چند سال پس از قانون مدنی، در قانون آیین دادرسی مدنی مصوب ۱۳۱۸ش و قانون امور حسبی مصوب ۱۳۱۹ش به بیان نقش و آثار اقامتگاه در حقوق داخلی پرداخته شد که مهم‌ترین آنها نقش اقامتگاه در تعیین صلاحیت دادگاهها، ابلاغ اوراق قضایی و مواعد قانونی در آیین دادرسی است.

## بخش دوم: اوصاف اقامتگاه

قانونگذار اقامتگاه را همچون اسم از ویژگیها و ممیزات شخص حقیقی یا حقوقی دانسته است. برخی از اوصاف اقامتگاه اینهاست:

۱. اقامتگاه امری فرضی و قراردادی است، برخلاف مسکن که امری حقیقی است. بنابر فرض قانون، شخص همیشه در اقامتگاه خود حضور دارد و آثار حقوقی راجع به اقامتگاه بر آن محل مترتب می‌شود، اگرچه سکنا و حضور مادی شرط تحقق اقامتگاه نیست و در عمل گاهی فرد در اقامتگاه قانونی خویش حضور ندارد (شایگان، ۱۹۱/۱؛ صفایی، ۹۰-۹۱).

۲. همان‌گونه که از نظر قانونگذار هیچ‌کس فاقد اقامتگاه نیست، هر فرد تنها یک اقامتگاه دارد. این امر به عنوان یک اصل با عبارت «هیچ‌کس نمی‌تواند بیش از یک اقامتگاه داشته باشد»، مورد تصریح قانونگذار قرار گرفته است (قانون مدنی، ماده ۱۰۰۳؛ نیز نک: «قانون مدنی سویس»، بند ۲ ماده ۲۳). البته این اصل با مفاد ماده ۱۰۱۰ قانون مدنی که به افراد حق می‌دهد برای اجرای تعهدات حاصل از هر قرارداد، یا ابلاغ برگهای دادرسی اقامتگاهی را انتخاب نمایند، منافات ندارد، زیرا چنانکه در ذیل این ماده اشاره شده، مقصود از اقامتگاه در ماده ۱۰۰۳ اقامتگاه حقیقی است که نمی‌تواند متعدد باشد، در حالی که اقامتگاههای انتخابی در ماده ۱۰۱۰ موقت و خاص است (امامی، ۲۱۷/۴-۲۱۸، ۲۲۱-۲۲۲؛ کاتوزیان، ذیل ماده ۱۰۰۳). دو اصل لزوم داشتن اقامتگاه و وحدت آن در نظام حقوقی رومن، به ویژه حقوق فرانسه از اصول مورد قبول بوده است.

۳. تشخیص اقامتگاه همیشه آسان نیست، زیرا ممکن است شخص در محلهای مختلف فعالیت داشته باشد؛ در این صورت دادگاه، با بررسی جوانب موضوع یکی از آن محلها را که مرکز مهم امور اوست، به عنوان اقامتگاه وی تشخیص می‌دهد (شایگان، همانجا؛ نیز پلانیول).

## بخش سوم: بررسی و شناخت انواع اقامتگاه

در حقوق ایران سه نوع اقامتگاه پیش‌بینی شده است: اختیاری، اجباری و انتخابی. تقسیم‌بندیهای دیگری با اندکی تفاوت در حقوق کشورهای دیگر نیز مشاهده می‌شود (نک: ریس، ۱۳).

## بند اول: اقامتگاه اختیاری یا حقیقی

این اقامتگاه محلی است که فرد در آن سکنی دارد و مرکز مهم امور اوست. در صورتی که محل سکونای شخص غیر از مرکز مهم امور او باشد، این مرکز، اقامتگاه اختیاری یا حقیقی وی به شمار می‌آید (امامی، ۲۱۸/۴؛ جعفری، ۵۱۸/۱). طبق اصل ۳۳ قانون اساسی: «هیچ کس را نمی‌توان از محل اقامت خود تبعید کرد، یا از اقامت در محل مورد علاقه‌اش ممنوع، یا به اقامت در محلی مجبور ساخت، مگر در مواردی که قانون مقرر می‌دارد».

## بند دوم: اقامتگاه اجباری

این اقامتگاه به محلی گفته می‌شود که بر حسب قانون برای برخی از اشخاص با توجه به شغل و مقام ایشان، یا به لحاظ ارتباط آنان با اشخاص دیگر تعیین می‌شود، یعنی قانون به طور تبعی اقامتگاه برخی از اشخاص مانند پدر را برای برخی دیگر مثلاً فرزند صغیر وی معین می‌داند و مفروض می‌دارد که مرکز مهم امور شخص در آنجاست. به این نوع اقامتگاه، اقامتگاه «قانونی»، یا «تبعی» نیز گفته می‌شود (امامی، همانجا). برخی از اشخاص دارای اقامتگاه اجباری هستند: الف - زن شوهردار: براساس ماده ۱۰۰۵ قانون مدنی «اقامتگاه زن شوهردار همان اقامتگاه شوهر است...». با این حال، ذیل همین ماده برخی موارد استثنا را یاد کرده است؛ ب محجور: اقامتگاه اشخاص محجور، یعنی صغیر، مجنون و سفیه که از تصرف در اموال و اداره امور حقوقی خویش ممنوعند، طبق ماده ۱۰۰۶ قانون مدنی همان اقامتگاه ولی یا قیم ایشان است؛ ج مأموران دولت: طبق ماده ۱۰۰۷ قانون مدنی «اقامتگاه مأمورین دولتی محلی است که در آنجا مأموریت ثابت دارند»؛ د - افراد نظامی: طبق ماده ۱۰۰۸ قانون مدنی «اقامتگاه افراد نظامی که در ساخلو (پادگان) هستند، محل ساخلوی آنهاست» (نیز نک: «قانون مدنی آلمان» بند ۱ ماده ۹)؛ ه - خدمه: افرادی چون سرایداران آپارتمانها و منازل که معمولاً نزد دیگری کار یا خدمت می‌کنند، طبق ماده ۱۰۰۹ قانون مدنی اقامتگاهشان همان اقامتگاه کارفرماست.

## بند سوم: اقامتگاه انتخابی یا قراردادی

طبق ماده ۱۰۱۰ قانون مدنی این نوع اقامتگاه محلی است که طرفین معامله برای اجرای تعهدات، یا دعوی ناشی از قرارداد یا ابلاغ اوراق دادرسی مربوط به آن انتخاب می‌کنند. این محل معمولاً مرکز

مهم امور فرد نیست، ولی طرفین برای سهولت در طرح دعوی و اجرای تعهدات ناشی از قراردادی معین، آن را با توافق به عنوان اقامتگاه در نظر می‌گیرند. اقامتگاه شخص حقوقی: ماده ۵۹۰ قانون تجارت تصریح می‌کند: «اقامتگاه شخص حقوقی محلی است که اداره شخص حقوقی در آنجاست» و ذیل ماده ۱۰۰۲ قانون مدنی که پس از آن به تصویب رسیده است، می‌گوید: «اقامتگاه اشخاص حقوقی مرکز عملیات آنها خواهد بود». برخی از حقوق‌دانان بر این باورند که مقصود قانون مدنی از «مرکز عملیات» همان مرکز امور و اداره شخص حقوقی است و میان این دو ماده تعارضی وجود ندارد (امامی، ۲۶۱/۴؛ کاتبی، ۳۹؛ کاتوزیان، ذیل ماده ۱۰۰۲). برخی دیگر از حقوق‌دانان معتقدند که مقصود قانونگذار از «مرکز عملیات» و «مرکز اداره» دو چیز است، زیرا مرکز عملیات محلی است که اعمال مادی شخص حقوقی چون صنعت، تجارت، زراعت یا امور خیریه در آن صورت می‌گیرد، در حالی که مرکز اداره مکانی است که رؤسا و مدیران در آن حضور دارند و تصمیمات و اعمال کلی و اساسی مربوط به شخص حقوقی در آنجا صورت می‌گیرد. از این‌رو، اینان معتقدند این دو ماده با یکدیگر متعارضند و برای حل این تعارض نظریات مختلفی مطرح کرده‌اند: برخی معتقدند ماده ۱۰۰۲ قانون مدنی که تصویب آن متأخرتر از قانون تجارت است، ناسخ ماده ۵۹۰ آن بوده، و اقامتگاه اشخاص حقوقی همان محلی است که عملیات مربوط به آن شخص در آنجا صورت می‌گیرد، نه محل اداره شخص حقوقی (شایگان، ۱۸۶/۱؛ عبادی، ۶۶).

## بخش چهارم: آثار اقامتگاه در حقوق داخلی و حقوق خصوصی

### بند اول: آثار اقامتگاه در حقوق داخلی

در حقوق داخلی، اقامتگاه شخص در امور مختلف از جمله آیین دادرسی دارای اثر و اهمیت بوده که موارد عمده آن به این شرح است:

۱. طبق یک اصل حقوقی «دادگاه صلاحیت‌دار دادگاه اقامتگاه خواننده است» چنانکه ماده ۲۱ قانون آیین دادرسی مدنی نیز به این اصل اشاره کرده است. نتیجه اصل یاد شده آن است که اگر خواننده به صلاحیت محلی دادگاه ایراد کند و دادگاه با بررسی موضوع تشخیص دهد که اقامتگاه وی در حوزه قضایی دیگری است، پرونده را به مرجع صالح ارسال می‌کند. با وجود این، در مواردی که شخص حقوقی دارای شعبه‌های متعدد در محل‌های مختلف است، برای اشخاص دشوار است که به جای طرح

دعوی در محل وقوع آن شعبه، در مرکز اصلی و اقامتگاه آن طرح دعوی کنند. از این رو، قانون گذار در اینگونه موارد تصریح می کند: «اگر شرکت دارای شعب متعدده در جاهای مختلف باشد، دعاوی ناشیه از تعهدات هر شعبه با اشخاص خارج باید در دادگاه محلی که شعبه طرف معامله در آن واقع است، اقامه شود، مگر آنکه شعبه نامبرده برچیده شده باشد که در این صورت دعاوی نامبرده نیز در مرکز اصلی شرکت اقامه خواهد شد» (همان، ماده ۳۸).

۲. کلیه اوراق قضایی و اعلامیه‌ها اعم از اخطاریه، احضاریه، احکام و قرارهای صادره از محاکم، هر نوع اجرائیه و نیز اظهارنامه در اقامتگاه شخص به وی ابلاغ می شود (نک: همان، ماده ۹۰).

۳. امور مربوط به غایب مفقود الاثر راجع به دادگاهی است که آخرین اقامتگاه غایب در آن محل بوده است (قانون امور حسبی، ماده ۱۲۶).

### بند دوم: آثار اقامتگاه در حقوق بین الملل خصوصی

۱. در حقوق بین الملل خصوصی اگر خواننده در ایران دارای اقامتگاه نباشد، خواهان می تواند دعوی خود را به ترتیب در دادگاه محل سکناى موقت وی، و در صورت نبودن آن در دادگاهی که وی در حوزه آن مال غیرمنقول دارد، و در صورت نداشتن آن در دادگاه اقامتگاه خود طرح کند (قانون آیین دادرسی مدنی، ماده ۲۱).

۲. هر دادگاه برای یافتن قانون حاکم بر دعاوی بین المللی، قواعد حل تعارض قوانین کشور خود را ملاک قرار می دهد. بنابراین، پس از احراز دادگاه صالح، قانون صالح و حاکم نیز معین می گردد. از این رو، می توان گفت که اقامتگاه به طور غیرمستقیم در تعیین قانون حاکم مؤثر است (نک: سلجوقی، ۲۷۰/۱ به بعد).

۳. از آثار مهم اقامتگاه نقش آن در تابعیت است. در مورد اشخاص حقیقی، فرد برای تحصیل تابعیت یک کشور لازم است مدتی معین در آن کشور اقامت داشته باشد. در مورد اشخاص حقوقی در کشورهایی چون ایران اقامتگاه یکی از عوامل تعیین کننده تابعیت است، یعنی شخص حقوقی تابعیت کشوری را داراست که اقامتگاهش در آنجا واقع است (قانون تجارت، ماده ۵۹۱).



۴. در برخی از کشورها از جمله سوئیس و انگلستان، افراد در احوال شخصی تابع قانون کشوری هستند که در آن اقامتگاه دارند، نه تابع قانون کشور متبوع خود. در اینگونه کشورها، اقامتگاه اشخاص اهمیت بسزایی دارد و در دعاوی راجع به احوال شخصی قانون اقامتگاه افراد بر آنان حاکم خواهد بود. در برخی دیگر از کشورها نیز که افراد در احوال شخصی تابع کشور متبوع خود هستند، اقامتگاه بی تأثیر نبوده، به عنوان جانشین تابعیت در نظر گرفته شده است. بدین معنی که در مورد افراد «بدون تابعیت ۲» قانون اقامتگاه بر آنها حاکم خواهد بود (نک: نصیری، ۸۱ به بعد).

### بند سوم: آثار و اهمیت اقامتگاه در حقوق

سخن از اقامتگاه هم در حقوق داخلی و هم در حقوق بین الملل در میان است. تا آنجا که به حقوق داخلی باز می گردد، اقامتگاه به چند دلیل مطرح است: نخست اینکه دادگاه صلاحیت دار دادگاه اقامتگاه خوانده است (ق.آ.د.م، م ۲۱)؛ دوم اینکه کلیه اوراق قضایی، اعلامیه ها اعم از اخطاریه، احضاریه، احکام و قرارهای صادره از محاکم، هر نوع اجرائیه و نیز اظهارنامه در اقامتگاه شخص به وی ابلاغ می شود (ق.آ.د.م، م ۹۰)؛ سوم آن که امور مربوط به غایب مفقود الاثر به دادگاه محلی راجع می شود که آخرین اقامتگاه غایب در آنجا بوده است (ق. امور حسبی، م ۱۲۶؛ نیز امامی، ۴/۲۱۶-۲۱۷). در حقوق بین الملل خصوصی نیز، اقامتگاه پیش از هر چیز تعیین کننده دادگاه صلاحیت دار است (ق.آ.د.م، م ۲۱)، افزون بر آن که در قوانین برخی از کشورها چون سوئیس و انگلستان، افراد در احوال شخصی تابع قوانین کشور اقامتگاه خود هستند نه کشور متبوع و در برخی دیگر از کشورها، کشور اقامتگاه جانشین کشور تابع برای افراد بدون تابعیت است (نصیری، ص ۸۲؛ سلجوقی، ۱/۲۶۷). در کلیت می توان گفت آثار اقامتگاه در قوانین، با وجود تکرر به دو اثر اصلی قابل تحلیل است: اقامتگاه به عنوان مبنایی برای تعیین صلاحیت مرجع قانونی (در حقوق داخلی)، یا قانون حاکم (در حقوق بین الملل)، و اقامتگاه به عنوان محلی که تماس مرجع قانونی با شخص - حقیقی یا حقوقی - در آن محل برقرار می گردد. تعیین صلاحیت قانون حاکم در حقوق بین الملل، امری ناشی از تراحم قوانین کشورهای گوناگون است. این تراحم اصالتاً به حوزه حقوق ارتباط دارد و تعیین یکی از قوانین برای حاکم بودن، نوعی فصل خصومت میان نظامهای حقوقی است. چنین می نماید که در این حالت تمام ابعاد مسأله، درون سپهر حقوقی رخ داده است. تعیین دادگاه صالح، نوعی تقسیم کار و تعیین حوزه وظایف و اختیارات درون یک نظام حقوقی است و در این حالت نیز تمام ابعاد مسأله درون

سپهر حقوقی است. در مواردی که مربوط به تماس مرجع قانونی با شخص حقوقی است، از آنجا که شخصیت حقوقی تنها درون سپهر حقوقی وجود دارد، همچنان تماد ابعاد مسأله درون سپهر حقوقی است. تنها در باره تماس مرجع قانونی با شخص حقیقی است که یکی از دو طرف اصلی این تماس، یعنی شخص حقیقی، موضوعی خارج از سپهر حقوقی است که در جهانی بیرون از این سپهر زندگی می کند و تنها در رفتارهای خاص خود، به نحوی ثانوی محکوم به احکام این سپهر است. در مقاله حاضر، محور اصلی بحث، اقامتگاه شخص حقیقی در حقوق داخلی و نه حقوق بین الملل است؛ چه تطبیق قوانین برخاسته از احوال شخص حقیقی در حقوق داخلی به اشخاص حقوقی و به حقوق بین الملل خود موضوع پرسشهایی فراتر است (شایگان، ۲/۵۴؛ سلجوقی، ۱/۲۸۳-۲۸۴).

## نتیجه گیری

اقامتگاه رابطه ای است مادی، حقوقی و سیاسی که اشخاص را به قلمرو یک دولت مرتبط می سازد. اقامتگاه اشخاص مربوط به مکانی است که افراد در آنجا ساکن هستند و از آنجائی که اقامتگاه به قلمرو معینی از دولت مرتبط است، قائم مقام تابعیت نیز نامیده می شود. در حقوق بین الملل خصوصی، اقامتگاه، پیوندی است که ارتباط دهنده اشخاص به قلمرو یک کشور است. اقامتگاه پیوندی است مادی یعنی حضور فیزیکی فرد در یک قلمرو می تواند منجر به ایجاد و تحقق اقامتگاه گردد. بنابراین، اقامتگاه پیوندی معنوی نیست. نمی توان فردی را دارای اقامتگاه در کشوری دانست و آن فرد حداقل محل سکونت معینی در آن کشور نداشته باشد. از سوی دیگر، اقامتگاه پیوندی است حقوقی که ارتباط نزدیکی به اراده قانون گذار هر کشور دارد. بنابراین، در حقوق هر کشوری تعریف خاصی از اقامتگاه ارائه می شود؛ و به طور کلی می توان اذعان داشت که در بسیاری از موارد، باید علاوه بر توجه به تعاریف معمول، تعاریف اختصاصی نیز مورد توجه قرار گیرد. گفتار اول و یژگی های اقامتگاه در حقوق بین الملل خصوصی برخی اقامتگاه را بنا به دو دلیل زیر پیوندی سیاسی می نامند: ۱. قوای قانون گذاری هر کشوری جزئی از حکومت است و در کنار دو قوه قضائیه و مجریه حکومت را اداره می کند. ۲. از سوی دیگر اقامتگاه سیاسی است؛ زیرا بدون اراده دولت نمی شود اقامتگاه را تغییر داد. پیوند میان افراد اعم از اشخاص حقیقی و حقوقی با قلمرو یک دولت با رضایت هیات دولت ایجاد می شود. پس اقامتگاه دارای ابعاد سیاسی، مادی و حقوقی است. پیشینه تاریخی اقامتگاه به یونان باستان بازگشت دارد و در واقع، یونانی ها اقامتگاه را به عنوان پل ارتباطی میان شهروندان و حاکمیت

سیاسی پذیرفته بودند. اگرچه، بین اقامتگاه در حقوق داخلی و اقامتگاه در حقوق بین الملل تفاوت های زیادی است؛ اما عموماً، تعریف تقریباً مشابهی از اقامتگاه در سطح داخلی و بین المللی ارائه می شود؛ و اغلب قوانین به یک تعریف کلی از اقامتگاه اکتفا کرده اند، چه این اقامتگاه داخلی باشد چه بین المللی. بنابراین، از نظر قانون گذار هر کشور، افرادی که مشمول تعریف مندرج در آن قانون باشند مقیم آن کشور محسوب می شوند، اعم از اینکه اتباع داخلی یک کشور مشمول قانون اقامتگاه گردند، یا اینکه بیگانگان به عنوان صاحبان اقامتگاه به شمار آیند؛ که در این صورت، بیگانگان مقیم در قلمرو دولت ایران، دارای اقامتگاه بین المللی می باشند. در حقوق بین الملل خصوصی، اقامتگاه دارای مزایای متعددی است. این مزایا عبارتند از: ۱) در هنگام انعقاد قراردادهای تجاری، اقامتگاه می تواند عاملی جهت توسعهٔ مراودات تجاری و تسهیل در تبادلات تجارت بین المللی باشد. ۲) اقامتگاه اشخاص حقیقی و حقوقی مبین هویت بین المللی اشخاص در حقوق بین الملل خصوصی محسوب می شود. ۳) اقامتگاه می تواند عاملی برای حل تعارض قوانین باشد. به عنوان مثال، تعیین اقامتگاه قراردادی در یک قرارداد بین المللی که توسط اتباع کشورهای مختلف منعقد شده است، می تواند قانون محل اقامت قراردادی را بر اختلافات ناشی از قرارداد منعقد یا تعهدات قراردادی حاکم سازد. بدین ترتیب، قضات محاکم صالحه می توانند قانون مناسب بر اساس حاکمیت اراده متعاملان را اجرا نمایند. ۴) اقامتگاه محلی است که دادگاههای یک کشور می توانند به هنگام دادرسی، احضاریه و سایر اوراق و ابلاغهای دادگستری را به محل اقامت اصحاب دعوی ارسال نمایند. همان طوری که، در حقوق داخلی اقامتگاه خواننده صلاحیت ترافیعی دارد، اقامتگاه در تعیین دادگاه صالح جهت حل و فصل دعاوی بین المللی نیز کاربرد دارد. در هنگام بروز تعارض میان صلاحیت دادگاه داخلی و خارجی، دادگاه محل اقامت متداعیان می تواند در حل و فصل دعاوی مطروحه توسط اصحاب دعوی بر دادگاه کشور متبوع متداعیان رجحان داشته باشد. گفتار دوم انواع اقامتگاه در حقوق بین الملل خصوصی اقامتگاه دارای انواعی از قبیل ۱- اجباری ۲- اختیاری ۳- قراردادی ۴- فرضی می باشد؛ که هر کدام در ذیل شرح داده شده اند: ۱. اقامتگاه اجباری: اقامتگاه اجباری، محلی است که توسط قانون به اشخاص معینی تحمیل می شود، برای مثال، اقامتگاه مأمورین دولتی در محلی است که در آنجا مأموریت ثابت دارند، و اقامتگاه طفل در محل اقامت ولی یا قیم، اقامتگاه کارگر در محل سکونت کارفرما، اقامتگاه زن شوهردار در محل اقامت شوهر و اقامتگاه نظامیان که عبارت است از پادگانها و مراکز نظامی محل خدمت، که توسط قانون مدنی ایران به عنوان اقامتگاه اجباری تعیین شده اند. از خصوصیات اقامتگاه

اجباری آن است که قابل تغییر نیست و به اراده اشخاص مربوط نمی باشد. بسیاری از نظام های حقوقی مخصوصاً حقوق نوشته ، حقوق مربوط به احوال شخصیه از قبیل حقوق خانواده ، و حقوق ارث به اصل تابعیت وابسته هستند و به عنوان یک اصل کلی حقوق مربوط به اشخاص ، زوجین ، والدین و متوفی به تابعیت آنها بستگی دارد. در نتیجه ، در اکثر کشورها ، تابعیت به عنوان یک عامل اصلی ارتباط در حقوق خانواده ، حقوق ارثیه مورد پذیرش قرار گرفته است و تابعیت نسبت به برخی از مقررات مربوط به صلاحیت قضایی نیز موثر بوده ، و تعیین قانون حاکم و دادگاه صالح براساس تابعیت به راحتی میسر است. تابعیت نسبت به برخی از مقررات مربوط به صلاحیت قضایی نیز موثر بوده ، و تعیین قانون حاکم و دادگاه صالح براساس تابعیت به راحتی میسر است ، اغلب مهاجران علاقه مند هستند که ارتباط و علقه خود را با وطن اصلی خویش حفظ نمایند، و آرزو دارند روزی به کشور متبوع خود برگردند، که این امر از طریق تابعیت و حفظ آن میسر است.

در حقوق کامن لا ، اقامتگاه به دعنوان یک عامل ارتباطی شناخته شده است که شخص را به یک نظام حقوقی معین مرتبط ساخته ، و براین اساس قانون محل اقامت شخص حاکم بر احوال شخصیه او خواهد بود . به بیان دیگر ، عامل تعیین کننده قانون حاکم بر اعتبار موضوعات حقوقی از قبیل حقوق زوج و زوجه ، صدور حکم طلاق ، وضعیت اطفال ، ارث ، ترکه کتوفی ، همچنین صلاحیت محاکم بر دعوی حقوقی خانوادگی و غیر خانوادگی ، اقامت خواهد بود

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی

## منابع و مأخذ

- امامی، حسن، حقوق مدنی، تهران، ۱۳۶۳ش
- جعفری لنگرودی، محمدجعفر، مبسوط در ترمینولوژی حقوق، تهران، ۱۳۷۸ش
- سلجوقی، محمود، حقوق بین الملل خصوصی، تهران، ۱۳۷۰ش
- شایگان، علی، حقوق مدنی ایران، تهران، ۱۳۳۱ش / ۱۳۷۲ق
- صفایی، حسین و مرتضی قاسم‌زاده، حقوق مدنی: اشخاص و محجورین، تهران، ۱۳۷۷ش
- عبادی، محمدعلی، حقوق تجارت، تهران، ۱۳۷۷ش
- قاسم، هشام، المدخل الی علم الحقوق، دمشق، ۱۹۶۷-۱۹۶۸م
- قانون آیین دادرسی مدنی؛ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران؛ قانون امور حسبی؛ قانون تجارت؛ قانون مدنی؛
- کاتبی، حسینقلی، حقوق تجارت، تهران، ۱۳۷۵ش
- کاتوزیان، ناصر، قانون مدنی در نظم حقوقی کنونی، تهران، ۱۳۷۷ش
- نصیری، محمد، حقوق بین الملل خصوصی، به کوشش مرتضی کاخی و مرتضی نصیری، تهران، انتشارات آگاه

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی